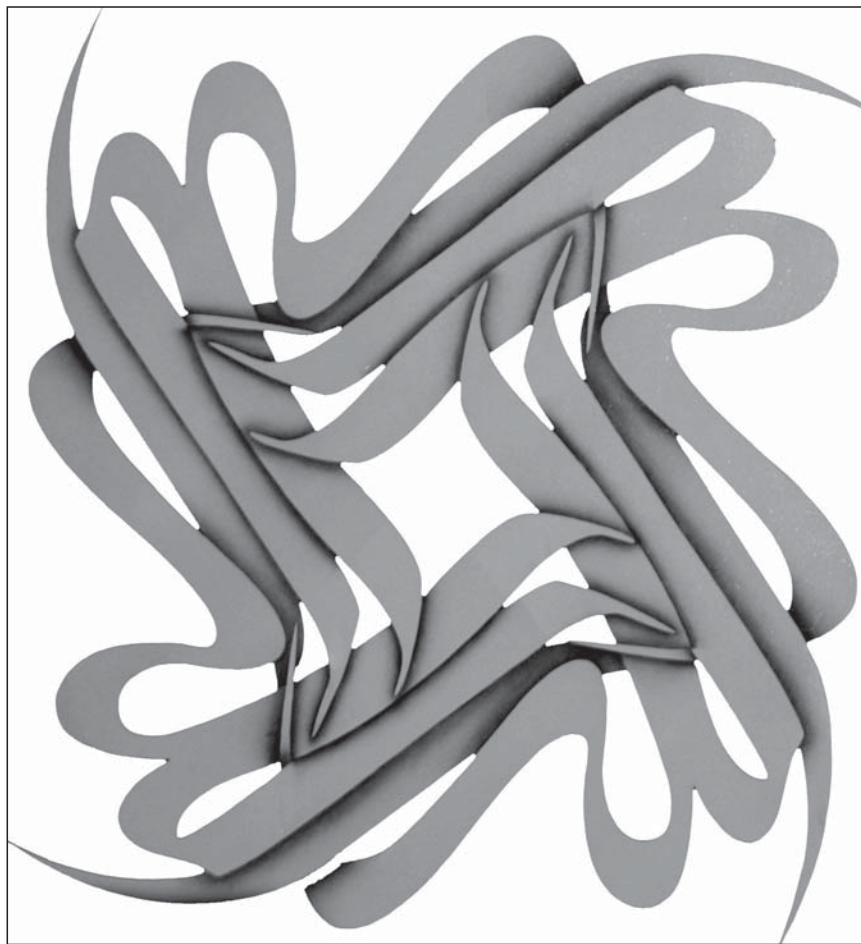




حیات، اثر، منهج

و ویژگی‌های تفسیری سه مفسر معاصر کرد از اهل سنت

دکتر جهانگیر ولدبیگی - دکترای علوم قرآن و حدیث - از اهل سنت



چکیده:

قوم کرد در طول تاریخ اسلامی خود از ابتدا تا به امروز در زمینه‌های مختلف از جمله تفسیر قرآن تلاش‌های چشم‌گیری داشته است و تفاسیر متعددی را با زبان‌های مختلف از جمله عربی، کردی، فارسی به جامعه اسلامی تقدیم کرده است. روند چنین امری در عصر حاضر بیش از گذشته بوده است به طوری که می‌توان در صدسال

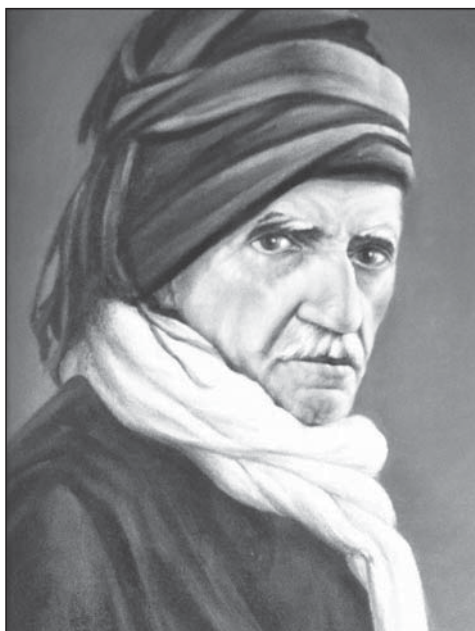


اخیر به بیش از ۶۰ تفسیر کامل و ناقص که برخی به چاپ رسیده و برخی همچنان مخطوط هستند اشاره کرد. در این میان تفسیر سعید نوری (ساکن کردستان ترکیه)، ملامحمد جلی زاده (از کردستان عراق) و استاد ناصر سبحانی (از کردستان ایران) هم از جهت منهج و هم بیان مطالب، بیش از همه جلب توجه می‌کنند.

واژگان کلیدی: کرد، تفسیر، مفسر، منهج تفسیری.

مقدمه:

هرچند آشنایی قوم کرد با اسلام به زمان حیات پیامبر برمی‌گردد و در منابع معتبر نامی از صحابه بزرگوار کرد به نام «جبابان کردی» آمده است، اما به صورت عموم، قوم کرد از



استاد سعید نوری



استاد ناصر سبحانی

طریق فتوحات اسلامی در سال ۱۷ هجری در زمان خلافت خلیفه دوم مسلمانان اسلام را پذیرفتند. (برزنجی، ص ۴۳) این قوم در طول تاریخ اسلامی خود تا به امروز در بنای تمدن و فرهنگ اسلامی نقش چشم‌گیری داشته است. یکی از بارزترین زمینه‌های تلاش علمای این قوم تفسیر کلام خدا (قرآن) بوده است که آثار به‌جای مانده در این زمینه به قرن سوم و آثاری از جمله: «تأویل مشکل القرآن»، «تفسیر دینوری» در سیزده جلد ابوحنیفه دینوری (احمد بن داود). (ت/ ۲۹۰ هـ ق) (ابن عبدالله مصطفی الشهبیر بحاجی خلیفه، ج ۱، ص ۴۴۷) و... برمی‌گردد. در عصر حاضر و در میان آثار متعدد تفسیری علمای این قوم سه اثر تفسیری با سه منهج تقریباً متفاوت در سه نقطه مختلف کردستان به نام‌های:

۱. «اشاره الاعجاز فی مغان الایجاز» بدیع‌الزمان سعید نوری (۱۸۷۳-۱۹۶۰ م)



۲. تفسیر قرآن به زبان کُردی. ملا محمد بن عبدالله جلی زاده کُوی (۱۸۷۶-۱۹۴۳ م)
۳. تفسیر قرآن کریم استاد ناصر سبحانی (۱۳۳۰-۱۳۶۸ هـ.ش)
وجود دارند که هر یک از آن‌ها از ویژگی‌ها و منہج خاصی برخوردارند که در این مقاله در صدد بیان چنین امری خواهیم بود.

۱. بدیع الزمان سعید نوری:

«سعید» در سپیده‌دم یکی از روزهای سال ۱۸۷۳ م در روستای «نورس» از توابع استان «بتلیس» کردستان ترکیه به دنیا آمد و در رمضان سال ۱۹۶۰ م بر اثر بیماری در شهر «اورفه» از دنیا رفت. ایشان از طرف پدر به امام حسن مجتبی و از طرف مادر به امام حسین می‌رسد و از این جهت از سادات اهل بیت است. سعید نوری بعد از آن که خبر سخنرانی «گلدسون» وزیر خارجه وقت انگلیس درباره قرآن کریم را شنید، با خود عهد بست تمام زندگی‌اش را صرف خدمت به این کتاب مقدس نماید و بدین منظور تصمیم به تأسیس یک دانشگاه اسلامی در شرق «آنادول» یعنی «کردستان» گرفت اما در این زمینه موفق نگردید. او به تألیف رسایل فراوان در زمینه‌های عقیدتی، اخلاقی و... که به زبان ترکی نوشته شده و به «رسایل نور» مشهور هستند شهرت جهانی دارد. پس از انقراض دولت عثمانی و روی کار آمدن مصطفی کمال آتاتورک در ترکیه که هرگونه جنبش اسلامی سرکوب، مساجد تخریب و علما محکوم به مرگ می‌شدند، سعید نوری دلیرانه به دفاع از اسلام برخاست و در این مسیر دچار مشکلات فراوانی شد و سالیان سال در تبعید و زندان به سر برد.

بدیع الزمان سعید نوری به عنوان مفسری که اثر تفسیری مستقلی داشته باشد شناخته شده نیست. او به صورت متفرق، در زمینه تبیین کلام خدا در «رسایل نور» بیانات بسیار دقیق و زیبایی دارد. تنها اثری که بتوان در زمینه تفسیر از ایشان به آن اشاره کرد و در آن تنها به تفسیر سوره «حمد» و آیات نخست تا سی و یک سوره «بقره» پرداخته است اثر «اشارات الاعجاز فی مظان الایجاز» است. «تألیف اشارات الاعجاز در سال نخست جنگ جهانی اول در جبهه جنگ بدون هیچ مصدری و مرجعی به پایان رسید. ظروف و شرایط جنگ به گونه‌ای بود که این تفسیر در نهایت اختصار نوشته شود». (نوری، ص ۷)

آنچه ما را بر آن داشت که در قسمت تفسیر و مفسران به آن اشاره کنیم منہج و سبک خاص ایشان در تفسیر کم‌حجم ایشان است. سعید در زمینه تفسیر معتقد به «تفسیر جمعی قرآن» است نه فردی آن و همیشه در آرزوی تشکیل هیئتی در این زمینه بوده است. ایشان هیئت موردنظر را این چنین توصیف می‌کنند: «این هیئت عالی‌رتبه باید دارای روح متعالیه و درجه اجتهاد و جزو اولیای خدا باشند. افراد این هیئت باید دارای خلوص نیت و صفای باطنی

باشند و... باید همه با هم صمیمی باشند و با هم تبادل نظر نمایند زیرا به قول مشهور برای همه علما اعتباری است که برای تک تک آن‌ها نیست». (نورسی، صص ۷-۶)

انگیزه سعید نورسی در تفسیر قرآن «بیان اعجاز قرآن از لحاظ نظم و ترتیب نزول آن» بوده است. (نورسی، مقدمه) ایشان در تفسیر این مقدار کم از آیات، ترکیبات هر آیه را تقطیع کرده و به نکات بلاغی به شکلی بسیار دقیق و مفصل؛ حرف به حرف، کلمه به کلمه و جمله به جمله اشاره داشته و این روند از ابتدای سوره «حمد» تا انتهای آیه ۳۱ سوره «بقره» که انتهای تفسیر ایشان نیز می‌باشد ادامه داشته است.

نورسی در خلال اشارات مفصل به مسئله اعجاز قرآن از لحاظ نظم و ترتیب نزول آن به قسمت‌های دیگر بلاغی و غیر آن نیز اشاره کرده است و معتقد است اساس اعجاز قرآن همان بلاغت آن و بلاغت قرآن نیز در همین نظم و ترتیب آیات و کلمات و حروف و ارتباط آن‌ها با هم نهفته است. (نورسی، ص ۱۲۹) ایشان در بلاغت اهتمام ویژه به «تمثیل» داده است و در این زمینه بسیار مطلب نوشته است؛ مثلاً مسئله عرضه امانت را از باب تمثیل می‌داند نه حقیقت. (نورسی، ص ۱۳۴) سعید نورسی در مسئله بلاغت قرآن بر حکمت «تکرار آیات» آن بسیار تأکید دارد و در هر بار تکرار اشاره به جنبه‌ای از جوانب قضیه دارد حتی بسم الله در ابتدای هر سوره به جنبه‌ای از جوانب قضایا اشاره دارد که قبلاً مطرح نبوده‌اند. (نورسی، صص ۳۹-۳۱)

سعید نورسی محور اصلی و اساسی همه آیات و سوره‌های قرآن را چهار اصل توحید، نبوت، معاد و عدالت می‌داند. (نورسی، ص ۹) ایشان معتقدند که دنبال کردن این چهار اصل در کل قرآن و حتی در کلمات و حروف آن قابل مشاهده است. (نورسی، ص ۱۰)

تفسیر سعید نورسی با وجود کم‌حجم بودنش یک تفسیر کاملاً بلاغی به حساب می‌آید و ایشان در این زمینه متأثر از زمخشری است بلکه بیش از ایشان نکات بلاغی را دنبال کرده است.

سعید نورسی تفسیر را با عباراتی سلیس و روان بیان داشته است. او در این زمینه از همه علوم و فنون استفاده کرده است. (قاسم، ص ۱۷۴) ایشان علاوه بر استفاده از فنون بلاغت به مسائل صرف و نحو و نیز به قوانین منطق از جمله موجبات شخصیه و کلیه و نقیض و... و به دیدگاه فرق اسلامی از جمله معتزله، متکلمین، جبریه و... نیز اشاره داشته است. او در تفسیر کوتاه خود از علوم مختلف از جمله علوم نجوم و امثال آن در اثبات وحدانیت خدا و نیز مسئله قیامت و وجود فرشتگان و معجزات پیامبران استفاده کرده است. (قاسم، صص ۱۷۵-۱۷۴)

آنچه بیش از همه مورد توجه ایشان بوده است همان مسئله اعجاز قرآن در قسمت نظم و ترتیب کلمات و حروف و آیات و سوره‌ها با هم بوده است که همه آنچه گفته شد را به نحوی



تحت الشعاع خود قرار داده است و به عبارت دیگر می‌توان گفت که استفاده «نورسی» از همه علوم در تفسیر در جهت تبیین وجه نظم و ترتیب آیات قرآنی و معجزه بودن قرآن بوده است.

نکات قابل توجه دیگر در منهج تفسیری سعید نورسی:

۱. توجه به منهج دعوت به سوی توحید بر دو پایه خوف و رجاء از دیدگاه قرآن. (نورسی،

ص ۷۴)

۲. به‌کارگیری روش سؤال و جواب در جهت تبیین بهتر آیات.

۳. موسیقی قرآن: «صداها و موسیقی‌هایی که قلب را به هیجان درآورد و عشق به عالم

بالا را در آن قرار دهد جایز و روا می‌باشد». (نورسی، ص ۸۲)

۴. توجه به مسائل کلامی: سعید نورسی اهتمام ویژه‌ای به مسائل کلامی در جهت تبیین توحید، نبوت، معاد و عدالت داده است. ایشان در این زمینه دیدگاه اشاعره را دنبال کرده است؛ مثلاً در تفسیر «خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةً» (بقره: ۷) به تفصیل به دیدگاه معتزله، جبریه، ماتریدیه و اشاعره در زمینه «مؤثر واقعی و حُسن و قبح افعال» پرداخته است. (نورسی، صص ۹۶-۸۳)

۵. توجه به مسائل عرفانی و ممزوج کردن آن با مسائل عقلی و علمی. (نورسی، صص ۱۶

و ۱۹)

۶. استفاده از آیات در جهت تبیین آیه یا آیات مورد تفسیر و نیز استفاده از روایات در

جای‌جای تفسیر. (نورسی، صص ۲۵ و ۲۸) ایشان «سنت» را وحی باطنی و استفاده از آن را در

تفسیر قرآن امری ضروری می‌دانند. (نورسی، ص ۵۴)

۲. ملامحمد بن عبدالله جلی زاده کوی

نامش محمد فرزند عبدالله کویه است. محمد در ماه رجب سال ۱۲۹۳ هـ ق در منطقه «بیگلر» از توابع «پشدر» به دنیا آمد و در تشرین سال ۱۹۴۳ م بر اثر بیماری در زادگاهش دار فانی را وداع گفت. او ملقب به «ملامحمد جلی زاده» (ته فیسر کوردی (۱۰/۷۲۲)) و بعد از فوت پدر به «مه لای گه-وره» (عالم بزرگ) مشهور است. در عهد حکومت عثمانی به‌خاطر مسئولیت‌های رسمی‌اش به «ملامحمد افندی» شناخته می‌شد. ملامحمد در سال ۱۹۱۵ م به عضویت در مجلس ولایت موصل درآمد؛ و در سال ۱۹۱۴ م به‌عنوان قاضی کویه منصوب گردید. در سال ۱۹۲۴ م عضویت در مجلس تأسیسی عراقی را پذیرفت. بعد از پایان مدت قانونی نمایندگی به منطقه کویه برگشت و به کار قضاوت تا سال ۱۹۲۸ م ادامه داد و بعد از آن همه وقت خود را به تدریس و تألیف اختصاص داد. سال ۱۹۳۰ م سال نضح

فکری و فلسفی ایشان بود. ایشان به ذکاوت، حلاوت کلام، متمسک به کتاب و سنت پاک نبوی، ایمان راسخ به قدر و قضای خداوند، عزت نفس، عدم بودن در خدمت رؤسا و امراء، قانع به کسب و کار کشاورزی خود، سخاوت طبع، زاهد و متواضع مشهور است. «به نظر من ملامحمد در عصر خود در میان قوم کُرد و علمای آن بعد از سعید نورسی (بدیع‌الزمان) عالم‌ترین فرد بوده و نمونه ایشان یا نبوده و یا بسیار نادر بوده است». (مه لای گه وره کویه، ص ۱۶)

«لامحمد» در کنار فعالیت‌های دینی، اجتماعی و سیاسی فعالیت‌های تألیفی نیز داشته‌اند که بارزترین آن‌ها تفسیر مشهورش به نام «ته-فسیری کوردی له که لامی خوداوه ندی» (تفسیر قرآن به زبان کُردی) است. این اثر سال‌ها پس از فوت مفسر و تصحیح آن توسط سه عالم برجسته منطقه در سال ۲۰۰۹ م در سلیمانیه کردستان عراق در ده جلد با مجموع ۳۷۰۸ صفحه به چاپ رسید. انگیزه مفسر در تدوین این اثر پاسخگویی به درخواست گروهی از جوانان زادگاهش یعنی شهر کویه بوده است. (جلی‌زاده، ج ۱۰، صص ۷۲۳-۷۳۴) ایشان در سال ۱۹۳۳ م شروع به نوشتن تفسیر می‌کند و در تاریخ ۱۹۴۳/۱/۵ م آن را به پایان می‌رساند. (جلی‌زاده، ج ۱۰، صص ۷۲۳-۷۳۴) و در آن به استفاده از بسیاری از تفاسیر عقلی و نقلی معتبر موجود در حیات او اشاره دارد.

لامحمد جلی زاده برخلاف مفسران دیگر، بیشتر توضیحات در مورد هر سوره را به آخر تفسیر آن سوره موقوف کرده تا با این توضیحات تناسبی بین سوره با سوره بعدی ایجاد کند. (جلی‌زاده، ج ۲، ص ۶۶) او در ابتدای سوره‌ها گاهی تنها به نام سوره اکتفا کرده و گاهی اشاراتی به تعداد آیات و نیز مکی یا مدنی بودن و اختلافاتی در این زمینه و حتی مسائلی مانند وجود یا عدم وجود آیات نسخ در سوره نموده است. (جلی‌زاده، ج ۳، ص ۱۶۹) ایشان گاهی به تقدیم و تأخیر نزول سوره، گاهی به تناسب و ارتباط یک سوره با سوره قبل، گاهی به نام‌های دیگر سوره، گاهی نیز به فضیلت سوره‌ها اشاراتی دارد. مفسر، آیات را نوشته و در کنار هر آیه تفسیر آن را بیان کرده است. آیات طولانی را تقطیع کرده است. اگر در جایی بیان مطلبی ضرورت داشته باشد و در متن تفسیر مناسبت نداشته باشد در پاورقی آن صفحه درج گردیده است. این روند از ابتدای تفسیر تا انتهای آن ادامه دارد.

روح منهج تفسیری مفسر اهتمام و توجه به تناسب و ارتباط آیات و سوره‌ها با هم و رعایت این تناسب با ترتیب مصحف موجود نه ترتیب نزول آن‌ها است و همین امر توجه ایشان به تفسیر آیات بر اساس آیات دیگر که منهج معمول در میان مفسران است را کم‌رنگ کرده است.

نکته قابل توجه دیگر در منهج تفسیری مفسر، برخلاف روند رایج بین مفسران،



کم‌توجهی به روایات رسیده از پیامبر در تبیین معنا و مفهوم آیات است. چنین کم‌توجهی به حدی است که به جرأت می‌توان گفت که ملاک مفسر عدم استفاده و توجه به روایات در تبیین آیات است به طوری که در ده مجلد تفسیر وجود روایات انگشت‌شمار است. (جلی‌زاده، ج ۸، ص ۸۲ و ج ۸، ص ۱۵۳)

استفاده از اقوال اصحاب و به‌ویژه تابعین برخلاف روایات پیامبر در اولویت کار مفسر بوده است. چنین روندی در ابتدای تفسیر کمتر مشاهده می‌شود اما هرچه به اواخر تفسیر نزدیک و نزدیک‌تر می‌شویم نقل قول‌هایی از اصحاب و تابعین بیشتر و بیشتر مشاهده می‌شود. توجه به علوم تجربی و نقش عقل در تفهیم آیات دو ویژگی برجسته در تفسیر جلی‌زاده نکته قابل توجه در تفسیر مفسر توجه به «علوم تجربی» در تبیین بهتر آیات است و همین امر تفسیر ایشان را در میان تفاسیر دیگر مفسران کرد و بسیاری از مفسران غیر کرد برجسته کرده است. مفسر در جای‌جای تفسیر از کم‌توجهی مسلمانان در عصر حاضر به مسائل علمی اظهار تأسف کرده و آن‌ها را تشویق به کسب علم و دنبال کردن علوم جدید و عدم اکتفاء به آنچه داشته‌اند و دارند می‌کند. آن‌ها را متوجه این امر می‌کند که انجام عمل صالح در مسیر بندگی خدا متضمن علم و کیاست و فراست است. (جلی‌زاده، ج ۱۰، ص ۷۱۶) مسلمانان را در عقب‌افتادگی در علوم جدید از جهان غرب مورد سرزنش قرار می‌دهد و گاه‌گاهی نیز این مشکل را به وجود خرافات موجود میان آن‌ها و سرگرم شدنشان به این خرافات متهم می‌کند. ایشان در جایی به لزوم کسب قدرت که در گرو کسب علم می‌باشد چنان پیش رفته است که آن را از ادای نماز لازم‌تر و ضروری‌تر می‌داند. (جلی‌زاده، ج ۱۰، ص ۲۴۹) در جایی مدار دنیا و قیامت را در گرو کسب قدرت می‌داند. (جلی‌زاده، ج ۱۰، ص ۳۸۲) در جایی زبان به تشکر و قدردانی از محققین و دانشمندان غربی می‌گشاید که در مسیر کشف مجهولات ما را در ازدیاد ایمانمان و احترام به کتاب آسمانی‌مان تقویت می‌کنند. (جلی‌زاده، ج ۱۰، ص ۳۸۸) در جایی نیز رمز پیشرفت غرب را در کشف و اختراعات مسائل جدید می‌داند و به این امر اشاره دارد که علمای مسلمان برخلاف مسیحیان مخالف کسب علم و دانش نبوده‌اند تا این امر سبب شود جوانان این امت بر علیه دین شورش کنند و آن را مانع پیشرفت بدانند. (جلی‌زاده، ج ۶، ص ۱۹) حتی معتقد است که قرآن همه علوم را در بر گرفته و شامل می‌شود و به نقل از طنطاوی به این امر اشاره دارد که علمای مسلمان باید دست به کشف علوم مختلف در متن قرآن بزنند که متأسفانه چنین نکردند و خود را به مسائل غیبی مشغول کرده‌اند. (جلی‌زاده، ج ۱۰، ص ۳۳۹) و خلاصه این که نسبت به عدم توجه به تحقیقات علمای غرب و کشفیات و اختراعات جدید از سوی مسلمانان اظهار تأسف می‌کند. (جلی‌زاده، ج ۱۰، ص ۱۸۰) در جایی نیز به این امر اشاره دارد که مخاطب معجزات عوام مردم است و خواص مردم از

طریق علم و مسائل مربوط به آن به حقایق هستی و وجود خداوند پی می‌برند. (جلی‌زاده، ج ۲، ص ۶۱) مفسر در این زمینه چنان پیش می‌رود که فضل انسانی را که در جهت علمی به مردم خدمت می‌کند برتر از ملائکه می‌داند. (جلی‌زاده، ج ۱۰، ص ۴۰۷) و خلاصه علم در کنار عمل را دو وسیله پیشرفت و ترقی مسلمانان می‌داند. (جلی‌زاده، ج ۵، صص ۵۱-۵۰)

در کنار توجه به علوم تجربی توجه به نقش «عقل» در فهم و تبیین آیات قرآن ویژگی دیگری از تفسیر ملامحمد جلی‌زاده است. مفسر در جای‌جای تفسیرش به «عقل» به‌عنوان بهترین ابزار در کشف حقایق و درک واقعیت‌ها اشاره دارد. ایشان تفاوت اساسی عصر خاتم‌الانبیاء با عصر پیامبران گذشته را توجه بیشتر به عقل به‌جای توجه به امور محسوس در زمان آن‌ها (پیامبران گذشته) می‌داند. او در این زمینه بر نظریه ابومسلم اصفهانی که بسیار متأثر از افکار ایشان است مهر تأیید می‌نهد و هر امر خارق‌العاده‌ای را که مخالف عقل باشد نمی‌پذیرد. (جلی‌زاده، ج ۱، ص ۳۰۲) او در تفسیر آیات نخست سوره «بقره» هادی بودن قرآن را خاص کسانی می‌داند که در کنار اهتمام به نقش انبیاء در هدایت بشری به نقش عقل نیز در فهم آیات توجه داشته باشند. (جلی‌زاده، ج ۱، ص ۳۸) جالب این است که برخلاف بسیاری از مفسران، آیه ۱۱۹ سوره نساء (فَلْيَعْبِرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ) را به عقل تفسیر کرده است و چنین تفسیری را تفسیری معقول می‌داند. (جلی‌زاده، ج ۲، ص ۲۰۱) در جایی علما را تشویق می‌کند که از طریق تعقل در آیات دست به کشف اسرار آن‌ها بزنند. (جلی‌زاده، ج ۱۰، ص ۳۳۹) ایشان در کنار اهمیتی که به نقش عقل می‌دهد اما آن را در مسیر هدایت و بدون کمک نبوت کافی نمی‌داند. (جلی‌زاده، ج ۱۰، ص ۱۹۳) این نیرو را همراه و در کنار علم دو نیرویی می‌داند که ممیزه حیات بشری و سوق دهنده زندگی او به سوی سعادت هستند. (جلی‌زاده، ج ۱۰، ص ۱۸۷) ملامحمد در تفسیر بسیاری از آیات که مورد اختلاف مفسران است به عقل مراجعه کرده و از دیدگاه عقلی دست به ترجیح زده و یا خود رأی جدیدی را ارائه داده است. (جلی‌زاده، ج ۱۰، ص ۲۹۲ و ج ۱۰، ص ۳۱۴)

ویژگی دیگر تفسیر جلی‌زاده دعوت به وحدت فرق اسلامی

نکته بسیار قابل توجه در تفسیر مفسر، دعوت فرق و مذاهب اسلامی به خصوص اهل سنت و شیعه به وحدت اسلامی و اظهار تأسف از اختلافات موجود میان آن‌ها است؛ دعوتی که در کمتر تفاسیری مورد مشاهده است. (جلی‌زاده، ج ۲، ص ۱۳ و ج ۸، ص ۱۲ و ج ۱۰، ص ۷۱۶ و ج ۵، ص ۲۵۰ و ج ۱۰، ص ۳۳)

علاوه بر آنچه مورد اشاره قرار گرفت توجه مفسر به چند نکته دیگر برجستگی خاصی به تفسیر ایشان بخشیده است از جمله:



۱. تبیین مواضع و افکار قادیانی، بهائی و امثال آن‌ها. (جلی‌زاده، ج ۲، ص ۱۰۴)
۲. توجه خاص به عرفان و تصوف واقعی و به دور از خرافات. (جلی‌زاده، ج ۹، ص ۲۱۱ و ج ۳، ص ۷ و ۸۳. ۳۰۱ و ج ۹، ص ۶۱)
۳. اشارات فراوان و نقد مسائل کلامی اشاعره و معتزله. (جلی‌زاده، ج ۱۰، ص ۱۷۸)
۴. استدلال خاص بر عدم نسخ در قرآن. (جلی‌زاده، ج ۲، ص ۱۳۴ و ۲۰۳)
۵. دفاع از شخصیت و حقوق زن. (جلی‌زاده، ج ۸، ص ۶ و ۱۶۹ و ج ۲، ص ۶۲ و ج ۱۰، ص ۷)
۶. اهتمام به اوضاع سیاسی اقتصادی و اجتماعی و تاریخی مسلمانان. (جلی‌زاده، ج ۱۰، ص ۶۹۰ و ۷۲۰ و ج ۶، ص ۱۹)
۷. دعوت علما به بیان مسائلی که به روز است و مردم با آن سروکار دارند. (جلی‌زاده، ج ۱۰، ص ۱۰۸)
۸. توجه دادن مسلمانان به عدم تقلید محض از دیگران. (جلی‌زاده، ج ۳، ص ۲۷۱ و ج ۶، ص ۱۰ و ج ۱۰، ص ۳۳۹)
۹. انعکاس فرهنگ و ادبیات قومش (کرد) در تفسیر آیات. (جلی‌زاده، ج ۱، ص ۸۱ و ج ۱۰، ص ۷۰۷)
۱۰. استفاده فراوان از اشعار فارسی به‌ویژه شیخ سعدی و خیام.
۱۱. اشکال بر سیاستمداران و اظهار تأسف از بی‌سیاستی مسلمانان. (جلی‌زاده، ج ۱، ص ۱۹۴ و ج ۳، ص ۱۸۲)
۱۲. اهتمام به مسائل مادی در کنار مسائل معنوی (دنیا و آخرت). (جلی‌زاده، ج ۱۰، ص ۲۴۹ و ۲۸۸)
۱۳. قضاوت منصفانه نسبت به اروپا و اروپائیان. (جلی‌زاده، ج ۱۰، ص ۳۲۷ و ج ۸، ص ۱۹)
۱۴. مبارزه با تکفیر و احترام خاص به علمای مذاهب و فرق مختلف اسلامی. (جلی‌زاده، ج ۶، ص ۱۱ و ج ۱۰، ص ۶۳۸)

۳. استاد ناصر سبحانی:

ناصر سبحانی فرزند محمد رشید در مهر ماه سال ۱۳۳۰ هـ.ش در روستای دوریسان از توابع شهرستان پاوه استان کرمانشاه دیده به جهان گشود و اواخر سال ۱۳۶۸ هـ.ش پس از تحمل ۹ ماه و ۹ روز زندان همچون بسیاری از علمای سلف خود با دنیای فانی وداع گفت. استاد سبحانی در سال ۱۳۴۷ هـ.ش بانگیزه تسلط بر زبان قرآن و ادبیات عرب راهی حجره نودشه از توابع اورامانات پاوه گردید و در مدت زمان کوتاهی پس از مدارسه بسیاری از منابع علوم عربی در خدمت استاد محمدی مطلق به خدمت مرحوم استاد ملا محمد زاهد ضیایی

در شهر پاوه رسید. ایشان علاوه بر تلمذ در خدمت دو استاد فوق‌الذکر در دوران تحصیل در خدمت استادانی چون ملامحمد بداقی، ملامحمدامین عالی تلمذ کرده و سرانجام در نیمه اول سال ۱۳۵۳ هـ.ش موفق به پایان تحصیلات علوم دینی گردید و در نیمه اول سال ۱۳۵۴ هـ.ش در محضر مرحوم «شیخ عثمان نقشبندی» مفتخر به اخذ اجازه‌نامه علمی، امامت، افتاء و تدریس شد. استاد ناصر سبحانی عالم و عارفی ربانی و مجتهدی توانا بود. ایشان اهل مطالعه، تحقیق و تلاوت قرآن و تدریس آن بود. برای هر لحظه از زندگی‌اش ارزش قائل بود. تأسیس مدرسه قرآن پاوه در سال ۱۳۵۴ هـ.ش با همکاری تعدادی از همفکرانش، مبارزه با نظام شاهنشاهی تا پیروزی انقلاب و آشنایی با بیداری اسلامی و قرار گرفتن در این مسیر از جمله فعالیت‌های دیگر استاد می‌باشد.

استاد ناصر سبحانی به سه زبان کُردی، عربی و فارسی بیش از یک‌سوم قرآن را تفسیر نموده است. در حیات مفسر هیچ اثری در این زمینه از ایشان به چاپ نرسیده است و همه آثار به صورت ضبط شده (ضبط شده) در دست شاگردان ایشان محفوظ است. در چند سال اخیر دو اثر تفسیری از ایشان به چاپ رسیده است یکی تفسیر سوره «حمد» به زبان فارسی و دیگری تفسیر سوره «یونس» به زبان کُردی. استاد تفسیر سوره «حمد» را ضمن بیان موضوع «نماز» در چهار نوار کاست بیان داشته‌اند.

استاد ناصر سبحانی با وجود این که اجل، فرصت پایان تفسیر قرآن را به ایشان نداد و تنها یک‌سوم قرآن را تفسیر نمود اما ارکان منهجش را با اختلافات جزئی که در برخی جاها مشاهده می‌شود می‌توان در چند رکن خلاصه کرد؛ منهج خاص و ویژه‌ای که می‌تواند یک مکتب تفسیری به شمار آید.

استاد سبحانی در ابتدای تفسیر هر سوره به وجه تسمیه سوره به نام مشهور آن می‌پردازد. ایشان معتقدند که نام سوره در فهم بهتر معانی آیات آن سوره بسیار مهم است و برای تعیین محور سوره‌ها توجه به نام سوره بسیار حائز اهمیت است. (سبحانی، ص ۲۵) پس از آن به تقطیع آیات و بیان محور یا محورهای سوره می‌پردازد. ایشان متن تفسیر را با بررسی مفردات هر مقطع به شکلی بسیار محققانه شروع می‌کند سپس آیات را تفسیر می‌نماید و بعد از تفسیر مقاطع مختلف به ارتباط این مقاطع با هم می‌پردازد. در بسیاری از سوره‌ها به ارتباط آن با سوره «حمد» اشاراتی دارد؛ زیرا معتقد است که خُصّ قرآن و روح و متن آن سوره «حمد» است و سوره‌های بعد از آن شرحی بر جوانب مختلف این سوره می‌باشند. در پایان نیز به درس‌ها و عبرت‌های گرفته شده از سوره نیز اشاره می‌کند و آن را به زندگی عصر حاضر ارتباط می‌دهد.

نکته قابل توجه در تفسیر استاد سبحانی، برقراری ارتباط بین سوره‌ها با هم و با متن



قرآن یعنی سوره «حمد» و دیگری توجه به علوم عربی است. این دو امر در ابتدا تا انتهای تفسیر دیده می‌شود. مثلاً: در ارتباط سوره اعراف با انعام و با متن قرآن یعنی سوره حمد چنین آورده است: «در بیان مناسبت سوره انعام با حمد گفته شد که با توجه به محور سوره حمد که وجوب موضع‌گیری عبادت و استعانت از سوی جهانیان در برابر ربوبیت و الوهیت خداوند و نیز بیان سرانجام پیمودن و نپیمودن صراط مستقیم می‌باشد، عدم التزام و روی‌گردانی از جهت‌گیری صحیح کار کسی نیست جز جدل‌گرایان؛ بنابراین ابطال حجت و دلایل این جدل‌گرایان سوره‌ای را سبب خواهد شد که سوره انعام است و در بیان محور این سوره به آن اشاره شد. حال پس از ابطال دلایل و حجت‌های کژاندیشان و بخشیدن ثبات به اهل صراط مستقیم در سوره انعام، لازم است در سوره دیگر و در ادامه به تفصیل و به‌صورت واضح اشاره به سرانجام این دو گروه شود و چنین امری را سوره اعراف بر عهده گرفته است». (سبحانی، ص ۹) ارکان اساسی منهج تفسیری استاد سبحانی را می‌توان در هشت رکن به ترتیب زیر بر شمرد:

۱. بررسی مفردات

استاد نخستین رکن منهج تفسیری را تفکر و تعمق در فهم مفردات قرآن و بررسی آن‌ها هم از جهت معنای لغوی و هم از جهت معنای اصطلاحی معرفی می‌کند. ایشان معتقدند که چون قرآن به زبان عربی است پس نخستین گام در جهت فهم آن آگاهی بر معنای دقیق مفردات است. او در این زمینه معتقدند بهترین منبع «مفردات» راغب اصفهانی و «مقایس‌اللغه» ابن فارس است. (سبحانی، مقدمه تفسیر، ضبط شده)

۲. تعیین محور سوره‌ها

استاد معتقدند که هر سوره دارای محور یا محورهای خاص به خود است که متن سوره حول آن محور یا محورها دور می‌زند. ایشان سوره «حمد» را متن قرآن می‌دانند یعنی خلاصه دین خدا سوره «حمد» است. این سوره «کتاب هدایت اجمالی» است. سایر سوره‌های قرآن تفصیل این اجمال و شرح متن آن هستند پس با هر یک از سوره‌ها در ارتباط است. (سبحانی، ص ۲۵) ایشان در همین رساله در جایی می‌فرمایند: «برای تعیین محور سوره‌ها توجه به نام سوره بسیار حائز اهمیت است». (سبحانی، ص ۲۵)

۳. توجه به اسباب نزول اصلی نه عارضی

استاد سبحانی معتقد به «سبب نزول اصلی» است نه «سبب نزول عارضی» که در کتاب‌های حدیثی به آن‌ها اشاره شده است. سبب نزول اصلی را از روح آیات و جو حاکم بر آن‌ها و سوره‌ها می‌توان فهمید. ایشان در این زمینه می‌فرمایند: «از طریق علم به مراد و محور سوره‌ها می‌توان به سبب نزول دست یافت». (سبحانی، ص ۲۱)

۴. تقطیع آیات هر سوره

استاد سبحانی در همان رساله که به بیان محور سوره‌ها پرداخته است به تقطیع آیات سوره‌ها نیز اشاراتی دارد؛ مثلاً در تقطیع آیات سوره «بقره» چنین آورده است: «آیات این سوره در عین کثرت به مقدمه‌ای بیست آیه‌ای (۱-۲۰) و چهار فصل (۲۱-۲۸۴) و خاتمه‌ای دو آیه‌ای (۲۸۵-۲۸۶) تقسیم شده است. آیات چهار فصل به ترتیب عبارت‌اند از: فصل نخست ۱۹ آیه، فصل دوم ۶۴ آیه، فصل سوم ۵۹ آیه و فصل چهارم ۱۲۲ آیه». (سبحانی، ص ۲۸) و در ادامه به شرح و تبیین هر فصل به تفصیل می‌پردازد.

۵. تفسیر قرآن به قرآن

به صراحت می‌توان گفت که تفسیر استاد سبحانی «تفسیر قرآن به قرآن» است. ایشان در این زمینه چنان ارتباطی بین آیات برقرار کرده است که همه را در یک سمت و سو و در جهت ادای یک امر و وظیفه مشخص دیده است. در تفسیر برخی از آیات با استدلال به آیات دیگر بسیاری از روایات رسیده را یا دارای اشکال می‌داند و یا تأویل می‌نماید. (سبحانی، عقیده اسلامی، ضبط شده)

۶. تطبیق دوباره آیات (نزول ثانویه)

استاد معتقد است که آیات دارای نزول متعدد در زمان‌های مختلف هستند. زمانی در حیات پیامبر برای معالجه بیماری‌های موجود در جامعه در جهت هدایت به‌سوی صراط مستقیم نازل شده‌اند و در زمان‌های مختلف دیگر نیز برای معالجه همان بیماری‌ها یا بیماری‌های مشابه آن‌ها قابل نزول دوباره هستند. ایشان در این زمینه می‌فرمایند: «نیاز به هدایت به همراه آمادگی جهت دریافت و نگه‌داشتن آن، سبب نزول کتاب هدایت از سوی خدا شده است. از آنجایی که نیاز و آمادگی امری تدریجی است نزول کتاب هدایت نیز به تدریج صورت گرفته است. در نزول تدریجی نخست کتاب اجمالی یعنی سوره حمد نازل شده سپس تفصیل آن فرود آمده است. رعایت ترتیب یادشده در امر دعوت و تربیت امری ضروری است». ایشان در ادامه می‌فرمایند: «نزول هدایت تنها جریان الفاظ بر زبان و یا نوشته شدن بر صفحات نیست. وجود کتاب هدایت در میان هر امتی تنها در صورتی مساوی با نزول آن است که سبب نزولش تحقق یافته باشد بر این اساس در حال حاضر تنها بخشی از قرآن در حال نزول است. در زمینه هدایت تنها آن بخش از قرآن مورد استفاده است که نزول حقیقی یافته باشد». (سبحانی، ص ۲۰)

۷. تفسیر قرآن بر اساس روایات صحیح

استاد سنت را برخلاف مشهور بین مردم، مصدر دوم تشریح نمی‌داند بلکه آن را مبین قرآن می‌داند. (سبحانی، اصول فقه، ضبط شده) ایشان معتقدند که اگر روایتی با قرآن



هم‌خوانی داشت مبین آن خواهد بود و اگر مخالفت داشت و قابل جمع نبود قابل ردّ است اگرچه در اصطلاح علم حدیث صحیح باشد. (سبحانی، علوم حدیث، ضبط شده) علاوه بر آنچه گفته شد استاد در چگونگی اخذ روایات و شخصیت راوی و تعریف صحابه پیامبر و عدالت آن‌ها نظرات شاذی دارند که تفصیل مطلب مقاله خاص به خود را می‌طلبد. (سبحانی، علوم حدیث، ضبط شده)

۸. استفاده از آرا و نظرات مفسران عصرهای مختلف

استاد سبحانی معتقد است که بیشتر مفسران متأسفانه ناقل اقوال مفسران پیش از خود بوده و کمتر دست به بیان مطالب جدید و کشف گنجینه‌های نهانی آیات قرآنی زده‌اند. ایشان «تفسیر قرطبی» را در زمینه مسائل فقهی، «تفسیر روح المعانی» را در زمینه بیان نکات مختلف و متعدد علمی، «تفسیر المنار» رشیدرضا را در بسیاری از زمینه‌ها و «تفسیر فی ظلال القرآن» سید قطب را در زمینه مسائل تربیتی بسیار مورد استفاده می‌داند و بر «تفسیر قاسمی» و «تفهیم القرآن» امام مودودی نیز اعتماد خاصی دارد.

نتیجه‌گیری

بدون شک هیچ تفسیری نمی‌تواند به همه جوانب بیان شده در قرآن به شکل خاصی بپردازد و همین نقیصه سبب به وجود آمدن روش‌های تفسیری مختلفی در میان تفاسیر شده است به طوری که برخی از تفاسیر جنبه فقهی آن بر جوانب دیگر غالب است و برخی نیز به جنبه‌های کلامی یا تربیتی و یا بلاغی و امثال آن بیش از جوانب دیگر پرداخته‌اند. در میان سه تفسیر بیان شده علاوه بر اهتمام هر یک به جنبه بلاغی (نورسی)، عقلی (جلی‌زاده) و تفسیر قرآن به قرآن (سبحانی) بیش از جوانب دیگر، آنچه بیش از همه قابل توجه است عقل‌گرایی و توجه به عقل در کنار توجه به علوم تجربی در تبیین آیات و عدم محدود شدن سه مفسر در اکتفا به منقولات در تفسیر قرآن است. همین خصیصه سبب شده است که سه مفسر و تفسیر آن‌ها از آرا و نظرات و یا ترجیحات شاذ فراوانی برخوردار باشند و این امر در میان -حداقل- تفاسیر مفسران کرد، امری است که کم‌تر مورد مشاهده می‌باشد.

سه تفسیر از سه مفسر در زمان‌های مختلف و سه محدوده جغرافیایی متفاوت نشان از توجه خاص و ویژه علمای کرد به تبیین آیات کلام‌الله مجید و شجاعت آن‌ها در ارائه نظرات و آرای جدید و عشق و علاقه به کشف گوهرهای نهانی از کتاب آسمانی دارد که امید است با الهام از این بزرگان این راه و مسیر نه‌تنها در تفسیر بلکه در علوم مختلف ادامه داشته باشد.

منابع:

- باپیر علی، مه لای گه وره کویه، اربیل، چ ۲۰۰۸/۱ م
- برزنجی تریفه عثمان، اسهامات العلماء الاکراد فی بناء الحضاه الاسلامیه، بیروت، دارالکتب العلمیه، چ اول / ۲۰۱۰ م.
- جلی زاده ملامحمد، تفسیر قرآن به زبان کردی، سلیمانیه، نشر حمدی، چ ۲۰۰۹/۱ م.
- سبجانی ناصر، اسباب نزول، ضبط شده.
- سبجانی ناصر، اصول فقه، ضبط شده.
- سبجانی ناصر، بررسی کلی نماز و تفسیر سوره حمد، تهران، نشر احسان، چ ۱۳۸۷/۲ ش.
- سبجانی ناصر، تفسیر سوره فرقان، ضبط شده.
- سبجانی ناصر، تفسیر سوره یونس، سلیمانیه، چ ۲۰۰۸/۱ م.
- سبجانی ناصر، عقیده اسلامی، ضبط شده.
- سبجانی ناصر، علوم حدیث، ضبط شده.
- سبجانی ناصر، محور سوره ها، مخطوط.
- سبجانی ناصر، مقدمه تفسیر، ضبط شده.
- سبجانی ناصر، مناظره، ضبط شده.
- شمس الدین محمد بن علی بن احمد الداودی، طبقات المفسرین، الاستقلال الکبری / ۱۹۷۲ م.
- قاسم عبدالرحمن الدكتور احمد، سعید النورسی و اثره فی تفسیر القرآن الکریم، بی نا، بی تا.
- محمد امین زکی بگ، مشاهیر الکرد و کردستان فی العهد الاسلامی، مصر، مطبعه السعاده، ۱۹۴۷ م.
- محمدکریم حسن محمود، کردستان در برابر فتوحات اسلامی، سلیمانیه، چ سوم / ۲۰۰۲ م.
- مصطفی بن عبدالله الشهیر بحاجی خلیفه، کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- نورسی بدیع الزمان سعید، محمد بانه ای، اشاره الاعجاز فی مظان الایجاز، ارومیه، حسینی اصل، چ ۱۳۸۲/۱ ش.
- هبه الله بن الحسن بن منصور اللالکائی أبو القاسم، اعتقاد أهل السنه، الرياض، دار طیبه، ۱۴۰۲ ق.

